

ترك عادت موجب مرض است

حزب توده و جناح "واقع بین"

بمسئول و جیاب زیر از پرسش و پاسخ ۲۰ مهر ماه ۱۳۶۰ که در آن نوزاد بن کیا توری برحسب عادت به توجیه سیاستهای ضدانقلابی حزب طراز نوین اسلامی توده در دفاع از رژیم شاهستانی خمینی پرداخته. توجه کنید:

من در خبرهایی از اروپا رسیده که گفته شده است که رفیق اسکندری ضمن مسافرتها خود به کشورهای اروپایی در گفت و گوهاش مواضعی اتخاذ میکند که با سیاست حزب هماهنگی ندارد و مجله "المجله" که وابسته است به عربستان سعودی و در لندن منتشر میشود، اخیراً در مقاله‌ای از تماسهای رفیق اسکندری با علی امینی صحبت کرده است. نظر رهبری حزب در این مورد چیست؟

رفیق اسکندری به هیچ وجه با سیاست حزب مطابقت ندارد، ما آن را نادرست میدانیم و محکوم میکنیم و ضمناً امیدواریم که او در این زمینه زیاده از حزب دور نشود. در رهبران صورت به تناسب آنچه که در آینده انجام گیرد، حزب حتماً تصمیمات جدیدی در این باره خواهد گرفت. ضمناً از هم اکنون بطور صریح اعلام میکنیم که اگر رفیق اسکندری در رهبران و رهبر برخوردی، هر آنرا فی از خط روشن رهبری حزب که در اسناد سیاسی حزب مشخص است نشان دهد، صرفاً مربوط به شخص خود است و هیچ گونه نمایندگی از سوی حزب و سخنگویی حزب را در هیچ جا به عهده ندارد.

کیا توری به شیوه‌ی ما کجا ولیستی وسی و چند ساله خود با زبانی مسئله که تماسهای رفیق اسکندری با علی امینی است نپرداخته سخن از اختلاف نظر جدی اسکندری با سیاست حزب به میان می‌آورد و اینکه با وجود این اسکندری به "نظر مجموع رهبری تمکین کرده و بعد هم خود را نادم نشان داده است"

ج: این موضوع در رهفیت سیاسی بررسی شد و برای رفع ابهاماتی که ممکن است این مسائل در مورد سیاست حزب در افکار عمومی ایجاد کند، قرار شد توضیح لازم داده شود. همانطور که رفقای حزبی قطعاً از مجموع برخوردهای سال‌های اخیر رفیق اسکندری اطلاع دارند، اختلاف نظر رفیق اسکندری با سیاست حزب مربوط به دوران اخیر نیست از پیش از انقلاب با سیاستی که رهبری حزب در مجموع خود اظکرده بود، اختلاف نظر جدی داشت. ولی پس از بحثهای مفصل در رهبری حزب با لایحه او در پلنوم شانزدهم به نظر مجموع رهبری حزب تمکین کرد و به تمام اسناد پلنوم شانزدهم و از آن جمله به تحلیل حزب در باره انقلاب ایران، به موضعگیری حزب در قبال سایر نیروهای انقلابی ایران و به خط حزب در پشتیبانی از سیاست گیری ضد امپریالیستی مردمی اما مخمینی رای مثبت داد. ولی پیروی او از این رای مثبت زیاد طول نکشید. رفیق اسکندری پس از اینکه به ایران آمد، در آن صحنه جناحی با جمله "بسیار تصور که مورد اعتراض شدید رفقای حزبی قیصر گرفت با زهم همان نظریات خود را که خلاف مواضع حزب بود، مطرح کرد. ولی سپس در بحثی که با او شد، خود را نادم نشان داد. اشتباه خود را پذیرفت و خواست که در این مورد رهبری حزب تصمیم بگیرد.

تمکین نادم! کیا توری، چه روشن و دقیق واقعیت درونی حزب تا مقرر استخوان منحنط و خاکن توده را با این کلمات به نمایش میگذارد. بحث حتی در این حد نیست که فردی با وجود داشتن نظر مخالف خود را ملزم به اجرای نظر اکثریت دانسته است. تمکین کرده است. از خود انتقاد نکرده. خود را نادم نشان داده است. روشن است که این سوای زمینه چینی برای مطلب بعدی، خطاب به تمام اعضای حزبی است که ما در زمانهای دیگر اندیشی به مصلحت‌فشان خطور کند. چه اگر در گذشته به کمک برادر بزرگتر اعضای خاکی را به سبیری یا به ایران رژیم شاه میفرستادند (مثل سروان قبادی که در مرز تیرباران شد). اکنون هم میتوانند آنها را تسلیم درخیمان جمهوری اسلامی کنند.

رهبری حزب به تفاق آراء با پیشنهاد طرح شده از طرف خود رفیق اسکندری در باره اینکه فعلاً از ایران خارج شود و فعالیت سیاسی نداشته باشد و به فعالیت فرهنگی، به ترجمه آثار مارکسیستی و غیره بپردازد، موافقت کرد. و البته او را از ترک کیم هیئت سیاسی کنار گذاشت. این تصمیمات در پلنوم هفدهم به تفاق آراء بنا بر رفقای شرکت کننده در پلنوم مورد تأیید قرار گرفت و قرار شد که رفیق اسکندری هیچگونه فعالیت سیاسی انجام ندهد. اخیراً اطلاع رسیده است که رفیق اسکندری به از همان مخالفتهای خود را با خط اساسی سیاست حزب اظکرده است. به این جهت من ما موریت دارم از طرف رهبری حزب رسماً اعلام کنم که این عمل

بگذریم، قصد در اینجا افشای ماهیت واقعی تشکیلات ضد انقلابی این حزب نیست مسئله در اینجا است که مطابق معمول واقعهای از طریق کاتالهای غیر حزبی و این بار از طریق مجله ناشناس "المجله" روشده و دست حزب توده را در پست گرد و گذاشته است. برای روشن تر شدن ما چرا کمی به عقب بازمیگردیم. حزب توده معتقد بود: برخی از محافل ((۲)) نیز که تاکنون نظرسنجی نسبت به رژیم (شاه) داشته اند، از سیاست ما چرا جویندهای داخلی و خارجی ان نگرانند (دنیاء شماره ۲ دوم اردیبهشت ۳۳ صفحه ۲۷). سپس در صفحه ۲۸، و در واقعیت امر به همان محافل اطعینان میدهند که "شمار سرنگونی رژیم را تا تکلیفی" میداند.

میدانند . در ادامه‌ی مطقی همین اعتقاد ، حسود
کیا نوری مینویسد :

انحطاً مرزود بر برابر همه‌ی نیروهائی کسه
طرفدار آزادی و دموکراسی هستند قرار
گرفته برانداختن استبداد محمد رضا شاه است .
انجام ایسی سرسریین وظیفه‌ی همه‌ی طرفداران
آزادی و دموکراسی است و آنها مینوایند در این
زمینه با همه‌ی مخالفین رژیم کمونیستی از
میان طبقات حاکم همکاری نمایند (تأکید

از ماست ویژه‌نامه‌ی دنیایه مناسبت " ۳۵ سال
حزب توده‌ی ایران " ، شماره‌ی ۵ ، مرداد ۱۳۵۵
صفحه‌ی ۱۱۰)

صرفنظر از لبخند ، تضحیر که تمام جوانان سطور
فوق برای مدح آزادی و دموکراسی توسط افسای
کیا نوری میتوانند بر لب آورند ، باید گفت که با
وجود چنین توجهی به " محافل " درون " طبقات
حاکمه "ی سابق ، و علاقه‌ی حزب توده به مدح واقع -
بینی در درون رژیم شاه (که اکنون نیز ادامه‌ی
منطقی خود را در جستجو برای یافتن جناح واقع -
بین در درون رژیم خمینی می یابد) با ورا ینگاه
اسکندری واقعاً در یک مأموریت حزبی برانداختن
مزه‌ی دهان آقای امینی و احتمالاً گذاشتن قول و
قرارهایی برای آینده‌ی بدون جمهوری اسلامی
نبودن است ، اگر نه غیر ممکن ، بسیار مشکل است . تمام
تلاش کیا نوری نیز به منظور رفع شبهه‌ها از دهستان
سردمداران رژیم جمهوری اسلامی است . اسکندری
نمایند هی حزب نیست ، شما فعلاً کالای سوسیالیستی
را بخرید .